

مقام سوم: آیا نهی از شرط عبادت مفسد عبادت است؟

ما می‌گوییم:

۱. مرحوم آخوند در بحث از ادله‌ی فساد، به طور مستقل متعرض این مبحث نشده‌اند. البته ایشان در ضمن مقدمه هشتم خود اصل موضوع (تعلق نهی به شرط عبادت) را مورد اشاره قرار داده بودند (و اقتضاء فساد یا عدم اقتضاء را تفصیلاً مورد بررسی قرار نداده‌اند)

۲. مرحوم نایینی -مطابق با نقل مرحوم خویی- درباره نهی از شرط عبادت می‌نویسد:

«أن شرط العبادة الذي عبر عنه باسم المصدر ليس متعلقاً للنهي، ضرورة أن النهي تعلق بالفعل الصادر عن المكلف باختياره وإرادته، لا بما هو نتيجة و أثره، و ما هو متعلق للنهي الذي عبر عنه بالمصدر ليس شرطاً لها، فاذن ما هو شرط للعبادة ليس متعلقاً للنهي، و ما هو متعلق له ليس شرطاً لها، مثلاً الصلاة مشروطة بالستر فإذا افترضنا أن الشارع نهى عن لبس ثوب خاص فيها فعندئذ أن كان مرد هذا النهي إلى النهي عن الصلاة فيه فهو لا محالة يوجب بطلانها، و أن لم يكن مرده إلى ذلك كما هو المفروض حيث قد عرفت أن متعلق النهي غير ما هو شرط فعندئذ لا وجه لبطلانها أصلاً و يكون حاله حال النظر إلى الأجنبية في أثناء الصلاة»^۱

توضیح:

۱. شرط به معنای اسم مصدری (مثل طهارت برای نماز) نمی‌تواند متعلق نهی باشد چرا که متعلق نهی باید چیزی باشد که به اختیار و اراده مکلف واقع شود در حالیکه این شرط به اختیار مکلف نیست.

[ما می‌گوییم: قدرت بر سبب، باعث قدرت بر مسبب می‌شود و لذا می‌توان گفت چون نسبت به سبب اختیار هست، نسبت به مسبب هم اختیار هست.]

۲. شرط به معنای مصدری (مثل وضو که باعث طهارت می‌شود)، هم شرط عبادت نیست (چراکه آنچه شرط است به این معنی که تقید به آن داخل در عبادت است: طهارت است و نه وضو)

۳. پس آنچه شرط است منهی عنه نیست و آنچه منهی عنه است شرط نیست

۴. مثال دیگر: شرط صلاة، ستر است ولی منهی عنه لبس حریر است

۵. پس: اگر بگوئید مراد از نهی از لبس حریر، نهی از نماز در حریر است، در این صورت می‌گوییم نهی به ذات صلاة است و موجب فساد است

۶. ولی اگر مراد این گونه نیست، بلکه نهی از لبس حریر است و بس. در این صورت متعلق نهی، شرط نیست و لذا باعث فساد صلاة نمی‌شود (و از محل بحث خارج است)

۱. محاضرات فی الاصول، ج ۵، ص ۲۲



۷. مثل اینکه می‌گوییم «نظر به اجنبیه» در ضمن نماز، مفسد نیست.

ایشان سپس به نکته دیگری توجه می‌دهند و با توجه به آن نتیجه می‌گیرند که نهی از شرط عبادت، مفسد عبادت نیست:

«ان شرائط الصلاة بأجمعها توصلية فيحصل الغرض منها و لو بإيجادها في ضمن فعل محرم.»^۱
و سپس نتیجه می‌گیرند که با توجه به اینکه در طهارات ثلاث، اشکال اول جاری است، فرقی بین شروط عبادی و شروط غیر عبادی نیست. (ایشان در اجود التقريرات دلیلی را اقامه می‌کنند که بگویند چرا طهارت (به عنوان نتیجه‌ی وضو و غسل و تیمم) عبادی نیست. دلیل ایشان چنین است:

«و لذلك يحكم بصحة صلاة من صلى غافلا عن الطهارة فانكشف كونها مقترنة بها»^۲

توضیح:

اگر کسی در هنگام نماز، توجه به طهارت نداشت، طبعاً قصد قربت نسبت به آن نمی‌کند، ولی اگر بعد از نماز معلوم شده که طهارت موجود بوده است، نماز مذکور صحیح است)
پاسخ مرحوم خویی به سخنان مرحوم نایینی:

مرحوم خویی در پاسخ به کلام اصلی استاد خود می‌نویسند:

۱. اگر مراد ایشان از شرط مصدری همان مقدمه است (غسل یا وضو) و مراد از شرط اسم مصدری، نتیجه‌ی مقدمه (طهارت خبثی یا حدثی) است و لذا می‌گویند نهی از غسل ثوب با آب مغصوب (مقدمه) ملازم با نهی از صلاة در لباس طاهر شده با آن آب، (نتیجه مقدمه) نیست.

۲. این سخن باطل است چراکه: اسم مصدر و مصدر، یک شیء هستند که با دو اعتبار لحاظ شده‌اند [همانطور که در مثل ایجاد و وجود می‌گوییم این دو یک هویت دارند]

پس مثال ایشان (طهارت و وضو) از قبیل سبب و مسبب است و نه از قبیل اسم مصدر و مصدر. (و مصدر علت و سبب اسم مصدر نیست)

«أن ما عبر عنه باسم المصدر لا يغير المعنى الذي عبر عنه بالمصدر الا بالاعتبار بالمصدر باعتبار إضافته إلى الفاعل، و اسم المصدر باعتبار إضافته إلى نفسه كالإيجاد والوجود فانهما واحد ذاتاً و حقيقة و الاختلاف بينهما بالاعتبار حيث ان الإيجاد باعتبار إضافته إلى الفاعل و الوجود باعتبار إضافته إلى نفسه، و ليس المصدر و اسم المصدر من قبيل المثال المذكور، ضرورة ان المثال من السبب و المسبب و العلة و المعلول. و من الواضح جداً ان المصدر ليس

۱. همان

۲. اجود التقريرات، ج ۱، ص ۴۰۰



علة و سبباً لاسم المصدر، بدها ان العلية و السببية تقتضى الاثنية و التعدد بحسب الوجود الخارجى، و المفروض انه لا اثنية و لا تعدد بين المصدر و اسم المصدر أصلاً، بل هما أمر واحد وجوداً و ماهية.^١

٣. مرحوم خوئی سپس می گویند البته در بحث مقدمه واجب گفته ایم که اگر مقدمه، انحصاری نباشد، ممکن است مقدمه حرام باشد ولی آنچه از آن متولد می شود واجب باشد ولی اگر مقدمه انحصاری باشد، چنین نکته ای که قابل فرض نیست، چراکه لازم می آید که شارع واجبی را از مسیر حرام بخواهد. [ما می گوئیم: با توجه به عبارت اجود التقريرات، روشن است که مراد مرحوم نایینی، از مصدر و «ما عُبِّرَ باسم المصدر»، همین نوع است که گفته شد.^٢]

٤. ولی اگر مراد از مصدر و اسم مصدر، همان معنای حقیقی موضوع لاهی است. یعنی ایشان می خواهد بگوید: «وضو بما هو مصدر» منهی عنه است ولی همین وضو بما هو اسم مصدر، شرط عبادت است و واجب می باشد:

٥. در این صورت این اشکال بر ایشان وارد می شود که

«فیرد علیه ما عرفت الآن من أنهما متحدان حقيقة و ذاتاً و مختلفان بالاعتبار، و معه لا یعقل أن یکون أحدهما مأموراً به و الآخر منهيّاً عنه»^٣

٦. مرحوم خوئی در ادامه می نویسند:

«ان النهی عن الشرط و القید لا محالة يرجع إلى إطلاق دلیل العبادة بغير هذه الحصة المنهی عنها، و لازم ذلك ان الواجب هو الصلاة المقيدة بغير تلك الحصة فلا ینطبق علیها، و مع عدم الانطباق لا محالة تقع فاسدة. فالنتيجة: ان حال النهی عن الشرط من هذه الناحية حال النهی عن الجزء فلا فرق بینهما»^٤

و نتیجه می گیرند:

«أنه بناء على ثبوت الملازمة بین حرمة عبادة و فسادها لا یفرق فی ذلك بین أن تكون الحرمة متعلقة بذاتها أو بجزئها أو شرطها، فعلى جميع التقادیر تقع فاسدة بملاک واحد و هو عدم وقوعها مصداقاً للعبادة المأمور بها»^٥

١. محاضرات فی الاصول، ج ٥، ص ٢٢

٢. اجود التقريرات، ج ٢، ص ٢٢٠

٣. محاضرات فی الاصول، ج ٥، ص ٢٣

٤. همان

٥. همان



۷. مرحوم خویی در پاورقی اجود التقریرات، احتمال می دهند که شاید بتوان گفت در مثل طهارت، همان وضو و غسل تیمم به معنای مصدری (که به اعتباری اسم مصدری است) شرط صلاة هستند:

«لا یبعد ان تكون الطهارة عنوانا منطبقا على --نفس الغسل و الوضوء و التیمم و یكون اشتراط الصلاة بها مثلا من قبيل اشتراط العبادة بالشرط المتقدم و تحقیق الحال فی ذلك موكول إلى محله»^۱

۸. ایشان همچنین با توجه به آنچه در حاشیه اجود التقریرات مطرح کرده اند، به اشکال دوم مرحوم نایینی چنین پاسخ می دهند:

«أن نفس هذه الأفعال شرائط لها و هی تعبديّة لا توصليّة و علیه صح تقسيم شرائط الصلاة إلى تعبديّة و توصليّة»^۲



۱. اجود التقریرات، ج ۱، ص ۳۹۹

۲. محاضرات فی الاصول، ج ۵، ص ۲۵